

نوستالژی مه 68، رویداد تاریخی که تکرار نشد

مرجان افتخاری

مه 68 تنها خیزش ضد امپریالیستی است که به اروپا محدود نشد و مرزهای مکزیک، چین، ژاپن و حتی بلوک شرق (پراگ) را در نوردید، و به بزرگترین جنبش جهانی در برابر جنگ، کشتار و جنایات امپریالیسم آمریکا در ویتنام تبدیل شد.

مه 68 شورش نسلی است که بطور مستقیم زخم فاشیسم را بر گرده نداشت، ولی هنوز آثار جنایات و وحشت فاشیسم را در برابر خود داشت. مه 68 تحول بزرگ و تاریخی از همگرایی چپ بود. از مارکسیسم به عنوان تنها ایدئولوژی انقلابی که از منافع کارگران، فرودستان، تهیدستان و به طور کلی استثمارشدگان حرکت می‌کند. در عین حال مه 68 خیزش نسلی بود در برابر محافظه کاری‌های اجتماعی و فرهنگی باز مانده از کلسیا و فرهنگ کلیسایی. جنبشی که دستاوردهای بزرگ حقوقی، اجتماعی و فرهنگی برای زنان و مبارزات زنان داشت. درخشش هنر و ادبیات، تغییر واژه‌ها و مفاهیم فرهنگی، استقلال و آزادی رادیو، تلوزیون و مطبوعات از دستاوردهای این جنبش جهانی بود.

مهمترین وقایع در فرانسه و چند کشور در دهه 60

جنگ امپریالیسم آمریکا در ویتنام

جنگ وحشیانه امپریالیستی در ویتنام، مستعمره سابق فرانسه که از نیمه سال 1950 آغاز شده بود، در سال 1965 با بمباران‌های دائمی و سنگین ارتش آمریکا ادامه پیدا کرد. از همان ابتداء جنگ و جنایت امپریالیسم آمریکا اعتراض بسیاری از گروه‌ها، احزاب چپ و آزادیخواه را در پی داشت. اولین اعتراضات گسترده توسط دانشجویان در فرانسه در بیست و دوم ماه مارس 68 و سپس در سایر کشورها ی اروپایی سازماندهی شد. دانشجویان چپ دانشگاه Nanterre در پاریس اعتراضات بی سابقه‌ای علیه حضور امپریالیسم آمریکا و جنگ ویتنام برپا کردند. در واقع می‌توان گفت که جنبش بزرگ و عظیم سیاسی ماه مه از این تاریخ شروع شد.

بحران اکتبر یا جنگ خلیج خوک‌ها

یکی از حوادث مهم تاریخی در دهه 60 بحران اکتبر (October Crisis of 1962) یا جنگ خلیج خوک‌ها در جنوب کوبا بود. بحرانی که اوج تنش سیاسی و نظامی بین آمریکا و شوروی در دوران جنگ سرد بود.

جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل

از وقایع مهم در دهه 60، جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در ژوئن 1967 است. جنگی که با همکاری مشترک کشورهای مصر، سوریه و اردن علیه اشغال فلسطین به وسیله اسرائیل شروع شد و با شکست و تسلط کامل اسرائیل بر سرزمین‌های فلسطینی پایان یافت. شکستی که در تاریخ مبارزاتی کشورهای عرب علیه اسرائیل مهم و سنگین بود.

بهار آزادی در اروپای شرقی

در چکسلواکی سابق، در دهه 60 با روی کار آمدن الکساندر دوبچک در پنجم ژانویه 1968 حرکت‌هایی از سوی نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران برای آزادی‌ها و لغو سانسور شروع شد. ولی در بیست و یکم اوت همان سال پراگ توسط تانک‌های شوروی اشغال شد و گوستاو هوساک (Gustáv Husák) به جای دوبچک در راس حزب کمونیست قرار گرفت⁽¹⁾. اشغال نظامی چکوسلواکی عضو پیمان ورشو پیام مشخص داشت، شوروی در راس قدرت سیاسی کشورها عضو پیمان ورشو است و هر تغییر یا تصمیم سیاسی و اجتماعی مستقلی با واکنش نظامی روبرو خواهد شد.



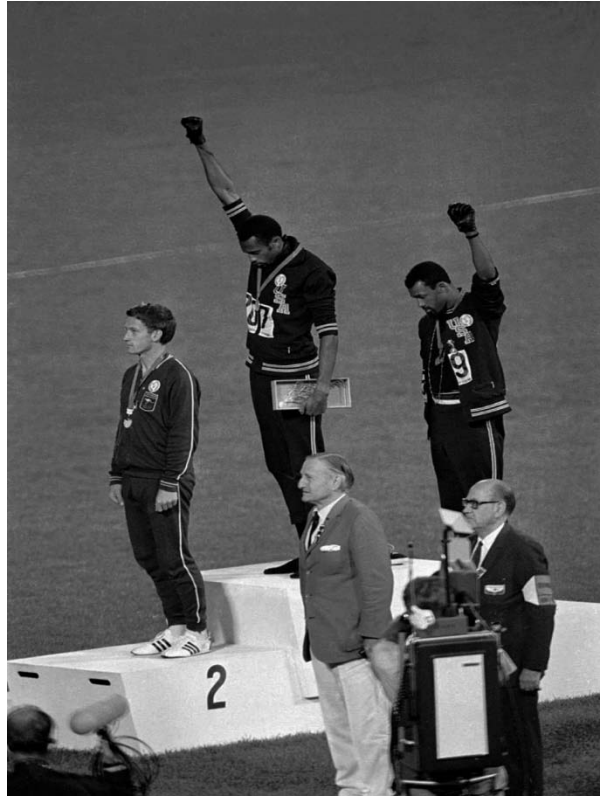
سرکوب و کشتار در مکزیک

همزمان با اعتراضات در چهار گوشه جهان، در مکزیک هم دانشجویان و روشنفکران به مدت سه ماه علیه جنگ در ویتنام، دیکتاتوری و سرکوب آزادیها خیابانها را به صحنه مبارزه تبدیل کردند. در دوم اکتبر نیروهای نظامی صدها دانشجو را در محله Tlatelolco به قتل رساندند. این کشتار به نام همین محله معروف است. ده روز پس از کشتار وحشیانه دانشجویان، برای اولین بار بازی‌های المپیک در مکزیک در دوازدهم اکتبر تحت کنترل ارتش بازگشائی شد.



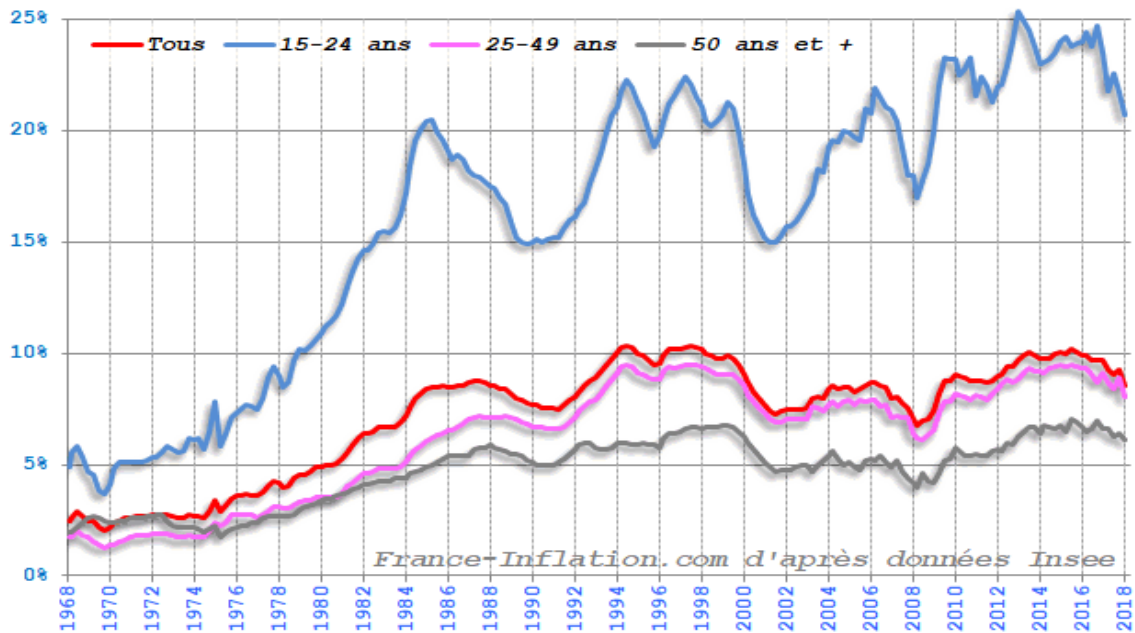
جنبش ضد جنگ و ضد تبعض نژادی در امریکا

از دهه 50 میلادی جنبش بزرگی علیه تبعیض‌های نژادی، نابرابری‌های حقوقی و مدنی، سرکوب کارگران، دانشجویان، زنان و کودکان سیاه‌پوست، که شهروندان درجه دو محسوب می‌شدند، شکل گرفت. این جنبش در دهه 60 میلادی و به خصوص در سال 63 و راهپیمائی بزرگ و تاریخی در واشنگتن گسترده‌تر شد. پیوستن جنبش سیاه-پوستان، دانشجویان و روشنفکران ضد جنگ و ویتنام اعتراضات عظیمی را در سال 68 در پی داشت. در چهارم آوریل همین سال معروف‌ترین رهبر سیاه‌پوستان، مارتین لوتر کینگ، به قتل رسید. جنبه‌های سیاسی، طبقاتی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی مه 68 آمریکا با کشورهای دیگر جهان متفاوت بود، زیرا سیاست‌های نظامی و جنگ طلبی امپریالیسم آمریکا را هدف قرار داده بود.



وضعیت اقتصادی چند کشور اروپایی در مه 68

پس از جنگ دوم جهانی در اروپا، آمریکا، ژاپن و دیگر کشورهای سرمایه‌داری بحران اقتصادی که نرخ بالای بیکاری اولین شاخص آن است وجود نداشت. منحنی زیر نرخ پائین بیکاری فرانسه برای همه رده‌های سنی در سال 1968. (2)



جدول زیر نرخ بیکاری فرانسه را از سال 1967 نشان می‌دهد. در سال 68 نرخ بیکاری جوانان رده سنی 15-24 کمتر از 5 درصد بود. اما درصد زنان فعال در عرصه اقتصادی همین کشور تنها 37.9 درصد گزارش شده.

نرخ بیکاری در فرانسه (3)

سال	نرخ بیکاری %
1967	2.5
1968	2.5
1969	2.2
1970	2.6
1971	2.8
1972	2.7
1973	2.7

نرخ بیکاری پائین در تمام کشورهای بزرگ سرمایه‌داری رونق اقتصادی در دهه 1960 تا 1970 را تأیید می‌کند. نرخ بیکاری آلمان 0.8 درصد، انگلیس 1.7 درصد، ایتالیا 5.2 درصد، آمریکا 4.7 درصد، و ژاپن 1.2 درصد بود. به همین دلیل شرایط اقتصادی و بیکاری انگیزه خیزش بزرگ و سراسری مه 68 نبود.⁽⁴⁾ برعکس تغییر شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، هدف اصلی اعتراضات مه 68 بود. تغییراتی بنیادین و انقلابی که در کشورهای مختلف هدف‌های متفاوتی داشت، به طور نمونه در پراگ یا مکزیک، آزادی‌ها هدف اصلی اعتراضات مه 68 بود.

دستاوردهای کارگران در پیوستن به اعتصابات

در ابتدا کارگران با محافظه کاری و دور اندیشی نسبت به فراخوان دانشجویان و پیوستن به اعتصابات واکنش نشان دادند. کارگران صنایع ماشین‌سازی رنو درست در زمانی که اختلاف و چند دستگی دولت فرانسه را فلج کرده بود به اعتصاب پیوستند. در سیزدهم ماه مه سندیکاها و احزاب چپ در همبستگی با دانشجویان و دانش آموزان اعلام اعتصاب عمومی کردند. در این روز تقریباً ده میلیون نفر در اعتصاب عمومی شرکت داشتند و فرانسه از نظر اقتصادی فلج شد. در بیست و سوم و بیست و چهارم مه دولت فرانسه برای جدا کردن کارگران از دانشجویان و جلوگیری از ادامه اعتصاب عمومی مذاکره با سندیکاها و حزب کمونیست را آغاز کرد.

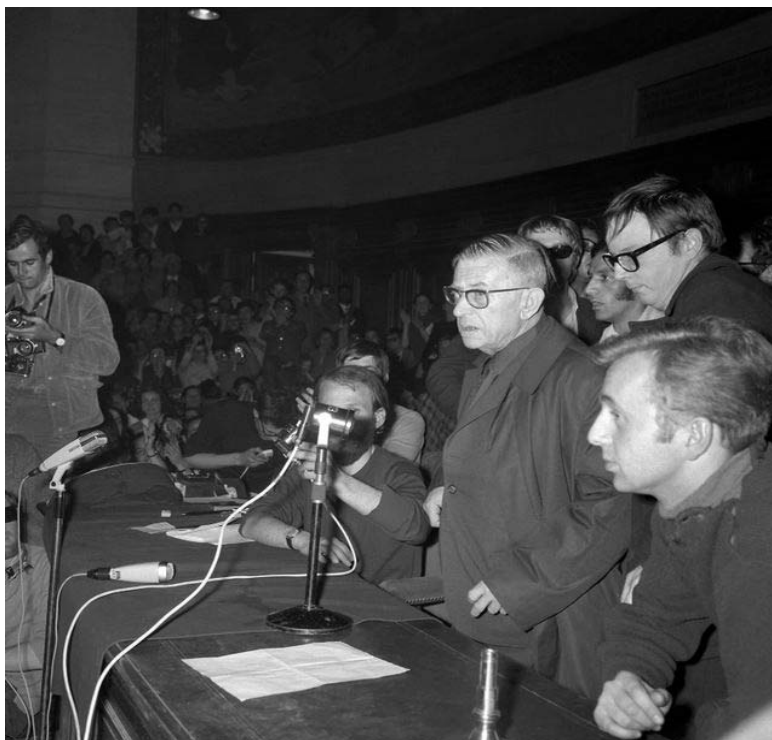
در بیست و پنجم ماه مه نمایندگان سندیکاها (CGT, CFDT, FO, CFTC, CGC et FEN) قراردادی را با وزیر کار به امضاء برسانند که به قرارداد Grenelle معروف شد. طبق این قرارداد دستمزدها 10 درصد و حداقل دستمزد تا 35 درصد افزایش یافت. در کنار این افزایش مهم، چهار هفته مرخصی با حقوق و مزایا و برسمیت شناختن سندیکاها در محل کار جزء مطالباتی بود که سندیکاها به دست آوردند.⁽⁵⁾

آنچه که در این دوران در جنبش کارگری فرانسه اهمیت دارد، گرایش "چپ" کارگران جوان و رادیکال جنبش کارگری است. به طوری که پیوستن به اعتصاب و به خصوص اعلام اعتصاب عمومی از کنترل و نفوذ جریان‌ها، نهادها و سندیکاهای سنتی کارگری خارج شد. کارگران جوان که در ارتباط با جنبش چپ دانشجویی بودند در تصمیم‌گیری‌ها، فراخوان‌ها و مذاکرات نقش برجسته‌ای داشتند. برای اولین بار بافت سنتی سندیکاهای کارگری با بافت جوان‌تر، با ایده‌های رادیکال چپ، جایگزین شد.

جنبش‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری در مه 68

در جریان جنگ جهانی دوم و اساساً هر جنگ دیگری مثل جنگ هشت ساله ایران و عراق، تمام ابزارهای اجتماعی، فرهنگی و هنری در راستای جنگ و اهداف آن قرار دارند. به عبارت دیگر جنگ، ویرانی، نابودی، وحشی‌گری و کشتار را برای مردم منطقی، اصولی، ضروری و عادی می‌کنند. مردم را به جنگ و فضای جنگی "عادت" می‌دهند. و برای رسیدن به این منظور علاوه بر دستگاه سرکوب و سانسور ماشین تبلیغاتی عظیم فرهنگی، هنری و ورزشی را هم به کار می‌گیرند. در جریان جنگ دوم جهانی تمام کشورها حتی آن کشورهایی که مستقیماً در جنگ شرکت نداشتند، چنین سیاستی را پیش بردند. پس از پایان جنگ، سیاست کنترل و سانسور رسان‌های عمومی به خصوص رادیو و تلویزیون در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکا، که متفاوت از کشورهای دیگر جهان بودند، ادامه پیدا کرد.

تا مه 68 در فرانسه، با وجود اعتراضات متعدد ولی تمام رسانه‌های عمومی رادیو، تلوزیون، مطبوعات، سینما و تئاتر تحت کنترل و زیر سانسور دولتی بودند. از همان ابتدای اعتراضات، موج گسترده‌ای از روشنفکران، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه‌نگاران به اعتصابات پیوستند. روشنفکران متعددی مانند ژان پل سارتر **Jean-Paul Sarter** فیلسوف و نویسنده معروف، **Simone de Beauvoir** نویسنده و فیمنیست، و **Marguerite Duras** کارگردان و سناریونویس معروف، حمایت خود از دانشجویان و کارگران اعلام کرد.⁽⁶⁾ یکی از دستاوردهای بزرگ مه 68، آزادی رادیو، تلوزیون و مطبوعات از زیر کنترل و سانسور دولتی بود.



مه 68 شورش طیف وسیعی از دانشجویان، جوانان، روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان "چپ و مارکسیست" برای تغییر شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود. طغیان نسلی بود علیه سیاست‌های محافظه‌کارانه و عقب مانده اجتماعی، فرهنگی و مذهبی به جای مانده کلیسایی. مه 68 فریاد نسلی بود که سرمایه‌داری، نابرابری‌ها، بی عدالتی‌ها، تبعیض‌ها به خصوص تبعیض‌های جنسیتی، بی حقوقی همجنس‌گرایان را تجربه کرده بود. نسلی که مفهوم و درک مارکسیستی از جنگ‌ها و جنایات سرمایه‌داری داشت و خواهان پایان دادن جنگ امپریالیستی علیه مردم ویتنام بود. در واقع از این تاریخ است که جهان با ایده‌ها و ادبیات مارکسیستی بیشتر آشنا می‌شود. تفکری که آزادی و برابری انسان‌ها را در سوسیالیسم تحقق‌پذیر می‌دانست.



اگر چه جنبش مه 68 منجر به تغییر قدرت سیاسی در هیچ یک از کشورهای اروپایی و نقاط دیگر جهان نشد، اما دستاوردهای مهمی برای جنبش کارگری، جنبش زنان و به طور کلی جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی داشت. از این تاریخ است که هنر و ادبیات خلاق اخلاقیات پوسیده جامعه سنتی را کنار گذاشت.

مه 68 مهم‌ترین دستاورد و رها آورد را برای زنان و جنبش زنان داشت. بسیاری از چارچوب‌های جامعه مردسالار فرو پاشید. مه 68 مبارزات زنان برای آزادی و برابری جنسیتی را هموارتر کرد. این جنبش، فرهنگ‌ها و سنت‌های عقب مانده دوران فئودالیسم و کلیسا را به مبارزه کشاند. از این تاریخ است که در فرانسه زنان برای کار و یا فعالیت‌های اجتماعی نیازی به "اجازه مرد خانواده" نداشتند. اگر چه هنوز راه طولانی تا برابری‌های جنسیتی وجود دارد، اما شرایط و موقعیت زنان بطور رسمی و قانونی پس از مه 68 شروع به تغییر کرد.

چرا خاورمیانه مه 68 را تجربه نکرد

در حالی که جنبش عظیم مه 68 بسیاری از کشورهای جهان را در نوردید، در کشورهای خاورمیانه سیستم اقتصادی و در نتیجه فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دیگری حاکم بود. فرایند تولید اقتصادی عقب مانده فئودالی تا اوئل دهه 60 میلادی در تمام کشورهای منطقه ادامه داشت. سیستم تولیدی که از نیمه قرن هفدهم در اروپا و آمریکا جای خود را به نظام سرمایه‌داری داده بود، در ایران تنها پس از رفرم ارضی سال 1342 (1962) روند گذار به سرمایه‌داری شروع شد. ولی ساختارهای اجتماعی، حقوقی و فرهنگی فئودالی و نهادهای مذهبی، رهبران و ارگان‌های اسلامی که جایگاه و نفوذ بسیاری در تمام عرصه‌ها داشتند، دست نخورده باقی ماندند. یکی از مهم‌ترین دلایل مخالفت خمینی و حوزه‌های علمیه با رفرم ارضی در سال 1342 کاهش نفوذ و قدرت نهاد مذهب، نمایندگان آن و رابطه اقتصادی آن‌ها با فئودال‌ها و زمین‌داران بود.

دلایل مختلفی را در مورد این که چرا خاورمیانه جنبش بزرگ و جهانی مه 68 را تجربه نکرد، می‌توان بر شمرد. رژیم‌های استبدادی یا دیکتاتوری، سرکوب شدید جنبش‌های دانشجویی، دانش‌آموزی، معلمان، روشنفکری و کنترل و سانسور شدید رسانه‌های عمومی، ممنوعیت احزاب و نهادهای مدنی و دستگاه اطلاعاتی پلیسی که هر صدای مخالفی را در گلو خفه می‌کرد. سرنوشت فرخی یزدی و ابوالقاسم لاهوتی از اعضای حزب کمونیست در انقلاب مشروطه، صمد بهرنگی نویسنده و معلم انقلابی، غلامحسین ساعدی پزشک نویسنده و نماینده‌نویس خلاق و متعهد و بسیاری دیگر از روشنفکران، استبداد و سرکوب دوران سلطنت پهلوی پدر و پسر را ترسیم می‌کنند. جامعه‌ای که عقب ماندگی، فقر، بی‌سوادی، محرومیت، ممنوعیت، باورهای مذهبی، دیکتاتوری و سرکوب، شاخص‌های آن بود.

اگر چه در ایران، جنبش دانشجویی و روشنفکری از اوئل دهه 20 شمسی با نظریات مارکس و ادبیات مارکسیستی آشنایی داشتند، و انقلاب بزرگ مشروطه و منشور آن را در تجربه تاریخی داشتند، ولی در دهه 40 شمسی مذهب اسلام و ساختارهای اجتماعی، حقوقی و فرهنگی اسلامی جایگاه ویژه و پر رنگی در بافت اجتماعی داشت. خیزش ارتجاعی پانزدهم خرداد سال 42 خمینی و در ادامه آن بر قراری جمهوری اسلامی در سال 57 دقیقاً تأکیدی است بر پوپولیسم مذهبی، بافت و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی آن. در مصر، مهم‌ترین کشور خاورمیانه، انتخاب محمد مرسی از اخوان المسلمین در سال 2012 و یا انتخاب غنچی در تونس درست پس از خیزش مردم در سال 2010 تأکیدی است بر نفوذ و تنیدگی مذهب اسلام بر ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در خاورمیانه. در حالی که از نیمه دهه 60 میلادی چنین ساختارهایی در اروپا، آمریکا، آمریکای لاتین و حتی در ژاپن با تمام سنت‌های محافظه‌کارانه یا بسیار کم رنگ بودند یا فروپاشیده بودند.

بحران فلسطین و جنگ 6 روزه اعراب و اسرائیل

در دهه 60 میلادی موضوع اشغال سرزمین‌های فلسطینی به وسیله اسرائیل مهم‌ترین و شاید تنها موضوع سیاسی دولت‌ها و مردم در خاورمیانه بود. این موضوع علاوه بر گسترش ناسیونالیسم عرب در منطقه تمام مبارزات کارگری و اجتماعی را تحت شعاع قرار داد. جنگ شش روزه در ژوئن سال 67، شکست ناصر به عنوان قهرمان ملی نه تنها برای مردم مصر بلکه برای تمام مردم کشورهای عربی سرخوردگی بزرگی بود که در تاریخ مبارزه علیه اشغال اسرائیل باقی مانده است. پس از این شکست، مبارزه برای رهایی فلسطین باعث گسترش مذهب و گروه‌های اسلامی در منطقه شد. در حالی که در همین دوران در سایر نقاط دنیا مبارزه ای در حال شکل‌گیری بود که کنشگران

مارکسیست تاریخ‌ساز آن بودند. در بسیاری از کشورهای دنیا، مبارزه طبقاتی، اجتماعی، مطالبات و شکل مبارزاتی با آنچه که در خاورمیانه در جریان بود کاملاً متفاوت بود.

چرا مه 68 تکرار نشد

جهانی شدن سرمایه‌داری و سیاست‌های نئولیبرالی که خصوصی‌سازی صنایع تولیدی، سخت‌تر شدن شرایط کار، قراردادی کردن کار، خصوصی کردن حمل و نقل، بیمارستان‌ها، امکانات درمانی، بهداشتی، آموزشی و بسیاری دیگر از امکاناتی که مزدبگیران و تهیدستان از آن استفاده می‌کردند، وضعیت کلی اقتصادی در اوائل دهه 80 میلادی را ترسیم می‌کند. علاوه بر این، بحران بی سابقه سرمایه‌داری در نیمه سال 2007 که بیکاری میلیون‌ها نفر از مزدبگیران، اعمال ریاضت‌های اقتصادی، کاهش قدرت خرید و افزایش فقر و تهیدستی را در پی داشت، وضعیت و شرایط زندگی مزدبگیران را در سراسر دنیا وخیم‌تر کرد. اما جهان شاهد اعتراضات گسترده ای مانند مه 68 نبود. یکی از دلایل مهم، سندیکالیزم مبارزاتی و محوری شدن خواسته‌های اقتصادی است. مبارزات کارگران در فرانسه و حتی مبارزات کارگران در ایران (هفته تپه، هیکو، فولاد و واحدهای صنعتی دیگر برای حقوق‌های پرداخت نشده)، با تمام تفاوت‌ها بین این دو کشور، این موضوع را نشان می‌دهد.

همان طور که اشاره شد، اگر چه شرایط سیاسی در اروپا، آزادی‌ها، موقعیت و جایگاه رسمی و حقوقی سندیکاها در دفاع از منافع مزدبگیران با سرکوب دائمی و بی حقوقی در ایران، و همین طور وضعیت زندگی کارگران دو کشور اساساً قابل مقایسه نیستند، ولی درک سندیکالیستی از مبارزه طبقاتی در بین احزاب، سندیکاها، رهبران و فعالین طبقه کارگر مشاهده می‌شود.

دلیل مهم دیگر، پراکندگی، عدم همسویی و همبستگی فعال مبارزات دانشجویی، معلمان، بازنشستگان، بیکاران، کارکنان بیمارستان‌ها و کشاورزان است. اگر چه گاهی بیانییهایی در حمایت داده می‌شود ولی حرکت و اقدام عملی برای همبستگی و گسترش مبارزات وجود ندارد. این وضعیت و محافظه‌کاری در تمام کشورهای اروپایی و ایران دیده می‌شود.

بررسی کوتاهی در مورد مسائل ایدئولوژیک، سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد که در دهه 60 میلادی، مارکسیسم با بالندگی علمی تنها ایدئولوژی مبارزاتی دانشجویان، جوانان و روشنفکران در این دهه است. اگر چه در این دهه هم گرایش‌ها و گروه‌های "چپ" پراکنده بودند ولی با تمام اختلافات نظری، در پیش برد مبارزه در برابر جنگ امپریالیستی در ویتنام و در برابر سیاست‌های دولت‌ها هم‌گرایی و همبستگی مبارزاتی داشتند. پراکندگی ایدئولوژیک و سیاسی به خصوص پس از فروپاشی دیوار برلین و پایان جنگ سرد "چپ" را با بحران بی سابقه‌ای روبرو کرد که همچنان ادامه دارد. ب طوری که سرخوردگی، پاسفیسیم، نداشتن تئوری انقلابی و آلترناتیو مبارزاتی مهمترین و بزرگترین بحرانی است که "چپ جهانی" با آن روبرو است. در کشورهای اروپایی، آمریکای لاتین و سایر نقاط بسیاری از احزاب یا گروه‌هایی که در مه 68 فعال بودند امروز یا وجود خارجی ندارند یا به محفل‌های کوچک تبدیل شده‌اند. در ایران بزرگترین جنبش چپ "فدایی" و یا سازمان "پیکار" با انشعابات پی در پی قبل از سرکوب وحشیانه، گسترده و خونین دهه 60 خورشیدی و قبل از فروپاشی دیوار برلین به عنوان یک سمبل تأکیدی است بر این بحران. بی تفاوتی، تماشاگری، منفعت‌طلبی، رفاه‌طلبی، سیاست‌زادگی و گرایش‌های رفرمیستی مختصات لیبرالیسم گسترده‌ای است که امروز در تمام جهان شاهد آن هستیم. در فرانسه از بین هفتاد دانشگاه اقلیتی از دانشجویان تنها در ده دانشگاه در برابر رفرم‌های دولت مکرون مقاومت می‌کنند. سندیکاها، فرانسه تنها برای حفظ موقعیت گذشته کارکنان راه آهن فعال هستند. بی تفاوتی بیکاران و پذیرش شرایط اسارت‌بار کارمایی در چارچوب رفرم‌های اعلام شده در انگلیس در همین راستا است. در یونان، اسپانیا و پرتغال افت مبارزاتی در برابر ادامه ریاضت‌های اقتصادی کاملاً احساس می‌شود.

در ایران با وجود بیکاری 40 درصد، فقر، تهیدستی بی سابقه، گرانی باور نکردنی کالاها و نیازهای اولیه، بی ثباتی و فروپاشی ساختارهای اقتصادی، فساد اقتصادی، بی خانمانی، مشکلات آب و ویرانی کشاورزی، پراکندگی اعتراضات، عدم پیوند و همبستگی فعال مبارزاتی مشکل اساسی شرایطی است که در آن قرار داریم.

از سوی دیگر، سرکوب همه جانبه و زندان اکثریت مردم (کارگران، دانشجویان، معلمان و زنان) را به تماشاگران چنین اوضاعی تبدیل کرده است. نداشتن چشم انداز و آلترناتیو انقلابی، امید به وعده‌های اصلاح‌طلبان، تغییر شرایط از بالا به وسیله اصلاح طلبان حکومتی، وحشت از جنگ احتمالی و شرکت در انتخابات محافظه کاری اکثریت مردم را توضیح می‌دهد.

آوریل 2018

- <http://www.france24.com/fr/20080426-1968-le-monde-> / 1
- http://france-inflation.com/graph_chomage.php / 2
- <http://www.ladocumentationfrancaise.fr/dossiers/emploi/chiffres-cles.shtml> / 3
- <http://ses.ens-lyon.fr/articles/donnees-taux-de-chomage> / 4
- <https://www.nouvelobs.com/societe/le-quotidien-de-1968/20080306.OBS3785/1968-en-quelques-chiffres.html>
اطلاعات بیشتری در مورد وضعیت اقتصادی فرانسه در سال 68
- [/https://ecointerview.wordpress.com/category/economie-de-mai-68](https://ecointerview.wordpress.com/category/economie-de-mai-68) / 5
- https://www.persee.fr/doc/estat_0336-1454_1973_num_41_1_1287
- <https://www.istravail.com/actualites-etudes/les-etudes-sociales-et-syndicales/10383-mai-1968-et-les-syndicats-francais.html>
اطلاعات بیشتر در مورد وضعیت اقتصادی و اعتصاب کارگران در مه 68
- <https://www.franceinter.fr/culture/mai-68-jean-paul-sartre-un-intellectuel-en-soutien-des-salaries-et-des-etudiants> / 6
- <http://moderne.canalblog.com/archives/2009/04/09/13313648.html>